

دولت پریبن‌دال در دوره پهلوی دوم

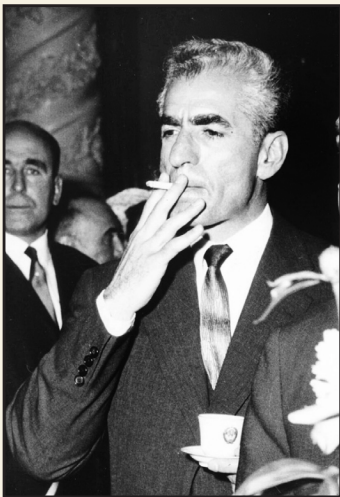
«دولت پریبن‌دال در دوره پهلوی دوم» در آیینه یک پژوهش نو انتشار

فساد سازمان یافته و منتفی شدن انضباط مالی

■ شاهد توحیدی



سیده لیلا موسوی انجام شده و پژوهشکده تاریخ معاصر ایران به انتشار آن همت گماشته است.
تارنمای ناشر در بسط موضوع این پژوهش به نکات پی آمده اشارت برده است: «ماهیت دولت در ایران دوره پهلوی دوم با نظر به‌های مختلفی تحلیل و بررسی شده که هر یک از این نظر به‌ها با به‌کارگیری شاخص‌هایی مشخص در تلاش‌اند که تحولات سیاسی – اجتماعی ایران دوره پهلوی دوم را تبیین کنند. در این نوشتار از منظر دولت پریبن‌دال به دنبال تحلیل روابط قدرت و ثروت در دوره پهلوی دوم خواهیم بود. از این نظر‌گاه قانون‌گریزی، استفاده از مناصب دولتی برای منافع شخصی، نزدیکی به رأس هرم قدرت برای رسیدن به ثروت، حامی‌پروری، توزیع ثروت میان نخیشان سیاسی و... از شاخص‌هایی هستند که بر آنها تأکید می‌شود. واکاوی و ارزیابی حکومت پهلوی دوم به‌ویژه در دو دهه پایانی آن نشان می‌دهد که دیدگاه پریبن‌دالیسم قدرت تبیین تحولات عصر پهلوی دوم را به‌ویژه از منظر شناخت سرشت فساد گونه حکومت در این دوره دارد. بر اساس این دیدگاه، فساد سازمان‌یافته نخیشان سیاسی و استفاده شخصی از مناصب دولتی اجتناب‌ناپذیر است. این موضوع به‌روشنی در دوره پهلوی دوم با حضور گسترده خاندان پهلوی و نخیشان سیاسی در



دهه ۴۰. محمد رضا پهلوی

فعالیت‌های اقتصادی و فساد در سطح گسترده و رقابت برای غارت در کشور، مشهود است. در چنین نظامی امکان رسیدن به توسعه اقتصادی – سیاسی و انضباط مالی ممکن نخواهد بود. به نظر می‌رسد رژیم پهلوی دوم با داشتن شاخص‌های دولت پریبن‌دال نمود عینی آن در اقتصاد سیاسی به فساد مالی گسترده و سازمان‌یافته دچار بود و فساد مالی در رأس هرم قدرت و حلقه نزدیکان حکومت پهلوی دوم به اشکال مختلف از مسیر سوءاستفاده از مناصب دولتی، اعطای دلبخواهانه امتیازات، قانون‌گریزی و... ریشه دوانیده بود. نوشتار حاضر با تأکید بر نظام پریبن‌دالیسم به تحلیل ماهیت حکومت پهلوی دوم می‌پردازد...»

«دولت پریبن‌دال در دوره پهلوی دوم» در فصول گوناگون خویش مقولات و نکات ذیل را مورد بررسی قرار داده است:

- فصل اول: مفهوم پریبن‌دالیسم
- فصل دوم: مؤلفه‌های پریبن‌دالیسم در دوره پهلوی دوم
- ۱- پاتریمونیالیسم و نتو پاتریمونیالیسم (پدرشاهی)
- ۲- کلانیتالیسم (حامی‌پروری)
- ۳- رانتیر یسم (دولت‌تحصیل‌دار)
- ۴- مفهوم فساد و جایگاه آن در نظام پریبن‌دال
- فصل سوم: شاخص‌های پریبن‌دالیسم در دوره پهلوی دوم
- ۱- تلاش برای کسب و حفظ مناصب دولتی
- ۲- سوءاستفاده از موقعیت و مقام
- ۳- تأمین منافع خویشاوندان و نزدیکان
- ۴- رقابت برای نزدیکی به قدرت
- ۵- اعطای امتیازات به صورت دلبخواهانه
- ۶- فساد مالی گسترده، رشوه، اختلاس و دلالی
- ۷- عدم پاسخگویی در قبال فساد گسترده
- ۸- ضعف قانون‌گرایی.»

تاریخ

تاریخ ۶۰۴۸۵۲۳



«جستاری تاریخی در زبان مردم آذربایجان» در گفت‌وشنود با دکتر احمد فرش‌بافیان

مردم آذربایجان در قرون پیشین به فارسی سخن می گفتند!

■ **معصومه محرمی**

چر یانسان تجزیه طلب عمدتاً مستقر در خارج از کشور، معمولاً بر زبان ترکی به عنوان زبان دیرین مردم آذربایجان تکیه فراوان دارند، این در حالی است که تاریخ حکایتی دگر دارد و در این میان تلاش می‌شود تا حقایقی در پرده باقی بماند! در گفت‌وشنود پی آمده، دکتر احمد فرش‌بافیان، استاد دانشگاه و مدیر اندیشکده مطالعات راهبردی قفقاز، آناتولی و آسیای میانه در این باره به ارائه نتایج تحقیقات خود پرداخته است. امید آنکه تاریخ پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

■ ■ ■

در آغاز گفت‌وگو، مختصری درباره تاریخچه زبان آذری بگویید. زبان مردم آذربایجان در ادوار قدیم چه بوده است؟

این ندیم از قول ابن مقفع در کتاب الفهرست، قدیمی‌تر خبر درباره زبان آذری مردم آذربایجان را متعلق به اواخر قرن یک و اوایل قرن دو هجری می‌داند: «زبانی است که مردم اصفهان، ری، همدان، ماه‌نهلوند و آذربایجان سخن می‌گویند...». طبری نیز در تاریخ خود از شخصی به نام محمد بن البیعت نام می‌برد که با متوکل عباسی به جنگ پرداخته است. او می‌نویسد: «حدثنی انه انشدنی بالمرأه، جماعه من اشیاخها اشعارا لابن البیعت بالفارسیه و تذکرون ادبه و شجاعه و له اخبارا واحادیث». در این عبارت، طبری به صراحت زبان مردم آذربایجان در اوایل قرن سوم هجری را فارسی می‌شمارد. در اینکه زبان مردم آذربایجان فارسی بوده، جای تردید نیست. بی‌گمان آذری از زبان‌های ایرانی به شمار می‌رفته که همه مؤلفان اسلامی نخستین سده‌های هجری در این باره اتفاق نظر دارند. علامه قزوینی در کتاب بیست مقاله، از قول مارکوارت مستشرق مشهور آلمانی می‌نویسد: «اصل زبان حقیقی پهلوی، عبارت بوده‌است از زبان آذربایجان که زبان کتبی اشکانیان زبان آذری در قرن هشتم هجری آورده است: «در فارسی بودن مکاتبات در آذربایجان قرن هشتم هجری، نام‌های با مهر سلطان ابوسعید بهادرخان در آن استان به دست آمده که خطاب به مردم اردبیل و به فارسی است که در آن از دو جماعت مغول و تاجیک سخن به میان آمده و از ترکان سخن نرفته است. این امر نشانگر آن است که در آن زمان، زبان

محمدتقی زهنباتی نویسنده کتاب «زبان ادبی معاصر در آذربایجان» که در گرایش‌های پان ترکیستی و سرسپردگی‌اش به دستگاه اطلاعاتی حزب بعث عراق شکی نیست، در عنوان کتاب خود از اصطلاح زبان آذری استفاده می‌کند. سیاست جدید ابلاغی به پان ترکیست‌ها از سوی اتاق‌های فکر خارجی، بر محور آذربایجان‌زدایی کامل تا حد زودن نام آذری/آذربایجان در دهه اخیر بوده است. به همین دلیل است که یکی از تئوریسین‌های پان ترک‌ها مدعی می‌شود، آذری مفهومی جدید است که از سوی دولت ایران ساخته شده است! ایشان با یادآبیت و تاریخچه آذربایجان آشنایی ندارد یا مأمور است و مدعور! سلام الله جاوید وزیر کشور فرقه دموکرات، کتابی به نام خودآموز فارسی – آذربایجانی نوشته



رضاخان کنار محمدعلی فروغی و عبدالحسین تیمورتاش

زبان آذری همان زبان ترکی نیست. پان ترکیست‌ها سال‌هاست با غوغا سالاری، مفاهیم تاریخی را نادیده گرفته و هویت بر ساخته ترکی را به مردم القا می‌کنند. بقایای فرقه پیشه‌وری تا همین ۲۰ سال پیش با اکراه زیاد از کلمه ترک استفاده می‌کردند. حتی در بسیاری از گویش‌های شهرهای آذربایجان کلمه ترک با تمسخر تلفظ می‌شد! تقریباً در تمام این خطبه به جای ترک از عبارت توح استفاده می‌شد

یعنی ترکیه امروز در عرض چند قرن از پهلوی تغییر کرد. آذربایجان هیچ گاه و در هیچ دوره‌ای فقط یک زبان نداشته است. نه امروز و نه ۳۲۰ سال پیش.

انعکاس شرایط سیاسی و اجتماعی دوره رضاخان در وضع زبان و ادبیات آذربایجان چگونه بوده است؟

در سالل ۱۳۰۴ که رضاخان بر تخت سلطنت ایران نشست، به طور جدی شروع به اجرای سیاست‌های تخریبی علیه فرهنگ آذربایجان نمود و ضرباتی سنگین بر پیکر فرهنگ و هویت آذربایجانی وارد کرد. در دوره رضاخان سه گفتمان هویتی در آذربایجان حاکم بود. یک طیف، همسو با سیاست‌های ابریزاسیون قزاق بودند. آنها طرفدار سرسخت و افراطی فارسیزه شدن آذربایجان و حذف هویت انسان بودند. دومین گروه، طرفدار گفتمان هویت دولتی ایران به همراه هویت قومی آذربایجان بودند و هدف خود را خودمختاری فرهنگی آذربایجان در چارچوب ایران معرفی می‌کردند. طیف آخر در سال‌های آخر پهلوی شکل گرفت که خود دارای اختلاف گفتمانی بود. این گفتمان به تاسی از حزب کمونیست شوروی و در قالب حزب توده یا گرفت که گروهی طرفدار فارسیزه کردن هویت آذربایجانی‌ها و گروه دیگر، خواستار خودمختاری فرهنگی آذربایجان بودند. در آن دوران به اصطلاح روشنفکران در صدد تحقیر و بیگانه جلوه دادن آذری زبانان بودند و نظام حاکمه هم اجراکننده اندیشه این نظریه‌پردازان جامعه را چنان بر آذری‌ها تنگ کرده بودند که زمینه تغییر هویت برای افسراد کم‌ظرفیت در امدها بود.

در ادامه سیاست‌های تخریبی رژیم گذشته، نام‌های آذری، بومی و اصیل برخی شهرها، روستاها و حتی کوه‌ها، دره‌ها، رودها و جنگل‌ها به نام ساختگی و جعلی عوض شد. مثلاً قره‌داغ به ارک‌ساربان تغییر یافت. در استان رسمی وزارتخانه‌های امور خارجه، جنگ و معارف مربوط به سال‌های ۱۳۰۴ – ۱۳۰۱، دولت ایران صراحتاً اعلام می‌کند: «زبان ترکی در آذربایجان باید منسوخ گردد، زبان فارسی باید رفته رفته معمول و زبان حقیقی این حدود شود...». دکتر جبار باغچه‌بان درباره سیاست‌های نادرست آموزشی نسبت به آذربایجانی‌ها در دوره پهلوی اول می‌نویسد: «دکتر محسنی وزیر فرهنگ آذربایجان در دوره پهلوی به جای اینکه سوابق و علایق فرهنگیان را تقدیر و تشویق کند، دستور اکید داد در اداره فرهنگ، کارمندان با مراجعان و در مدارس معلمان یا شاگردان همه باید به زبان فارسی گفت‌وگو کنند وگرنه از کارشان بر کنار خواهند شد. گذشته از اینکه این کار، یک تکلیف شاق و غیر عملی بود او نمی‌دانست با صدور این دستور، حق و علاقه تاریخی یک قوم بزرگ را انکار و حس میهن پرستی آذربایجانی را تحقیر و جریهدار خواهد کرد...».

ادعای برخی قومگرایان با تأکید بر ظلم و تعدی پهلوی‌ها بر مردم آذربایجان به ویژه در زمینه زبان و ادبیات و فرهنگ، مبتنی بر چیست؟

اینکه پهلوی‌ها بر فرهنگ آذربایجان و هر خرده فرهنگ ایرانی دیگر ظلم روا داشتند، امری بدیهی است، ولی در این میان گروهی با پررنگ کردن این مسئله تلاش دارند ظلم و تعدی گروه‌های قومگرا و تجزیه‌طلبی همچون فرقه دموکرات آذربایجان بر فرهنگ و زبان این مردم را از یادها برده یا کم‌رنگ نشان دهند. سران این فرقه با سیاسی کاری و نظامی‌گری ظالمانه بسیاری از بنیان‌های تاریخی و تمدنی آذربایجان را از بین برده یا لکه‌دار کردند، زیرا تنها هدف و سیاست این فرقه، پیاده‌سازی برنامه‌ها و تحقق اهداف نظام ضد دینی و ضد مردمی شوروی و سوسیالیستی و حتی پان ترک‌های افراطی ترکیه بود، بنابراین نباید در مجموعه تحلیل‌های تعدی ضد فرهنگی پهلوی‌ها بر مردم آذربایجان، مزدوری فرقه دموکرات برای بیگانگان و تلاش برای تزلزل بنیان‌های فرهنگی آذربایجان از سوی آنها نادیده گرفته شود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، زبان‌های مادری دچار چه تحولاتی شد؟

وقوع انقلاب اسلامی در ایران دهی‌های فرهنگی بود که نصیب ملت، در گستره وسیع جغرافیایی ایران شد. در این راستا مردم آذربایجان و

روزنامه جوان | شماره ۱۳۰۱

استان‌های آذری‌نشین بیش از دیگران مشمول این نعمت شدند. البته در دوران پهلوی (اول و دوم)، تمامی خرده فرهنگ‌های ایرانی اعم از اقوام سابقه‌دار تمدنی ایران همانند آذری‌ها، اعراب، بلوچ‌ها، اکرا و... مورد هجوم این خاندان بی‌فرهنگ و بی‌تمدن بودند و تفاوتی در تجاوز به حریم فرهنگی آنها از سوی حکومت نبود، ولی ناگفته نماند ظهور فرقه‌های وابسته‌ای همچون فرقه دموکرات در منطقه آذربایجان برای پهلوی‌ها پنهان‌سازی کرد و در پر رنگ شدن هجوم آنها بر خرده فرهنگ ایرانی آذربایجان بی‌تأثیر نبود. انقلاب اسلامی با تکیه بر شعار شعورمند خود یعنی «آزادی»، تجلی دوباره چهره تمدنی فرهنگ آذربایجان در بطن فرهنگ غنی و چند هزار ساله ایران شد. فرهنگی که خود را در متن فرهنگ ایرانی تعریف کرد و استقلال طلبی، وحدت با دیگر اقوام ایرانی در قوام بخشیدن به قدرت ملی، ایستادگی در برابر تجاوز دشمنان خارجی به تمامیت ارضی ایران، تأکید بر هویت دینی و شیعی خود را بار دیگر به منصه ظهور رساند و مطمئناً بر انداخته اقوام دیگر ایرانی در پرداختن به این مؤلفه‌ها مؤثر بوده و است. از بارزترین نمونه‌های این تجلی، حضور مقتدرانه جوانان آذربایجانی در دفاع از حریم ایران اسلامی و حرم جمهوری اسلامی در جریان هشت سال دفاع مقدس بود که به قول رهبر فرزانه انقلاب، لشکر عاشورای آذربایجان نماد غیرت این خطه شد.

من معتقدم به جای بر شمردن خدمات انقلاب اسلامی به فرهنگ، زبان و ادبیات آذربایجان، این سؤال را مطرح کنیم که کدام بُعد از تمامیت فرهنگی این منطقه است که در دوران انقلاب اسلامی، آزادانه و بدون هیچ محدودیتی بدان پرداخته نشده است؟ تا جایی که بعضاً افراطیون نیز دچار تفسیر غلط شده و از این آزادی، بهره‌براری سوء کرده و می‌کنند. بالاتر از این‌ن نعمت کدام است که شاعران جوان و پیشکسوت آذری در حضور رهبری انقلاب اسلامی، اشعار خود را به زبان مادری و بومی در تمامی زمینه‌های دینی، سیاسی و اجتماعی قرائت کنند و رهبر حکیم و فرزانه انقلاب نیز آنان را برای تقویت عنصر فرهنگی شعر به زبان آذری، تشویق نمایند؟ آیا مشابه این رفتار فرهنگی را هرگز می‌توان در مهد خیالی و توهمی تمدنی پان ترکی‌ها در ترکیه و باکو یافت که رؤسای این کشورها اجازه دهند تا نمایندگان خرده فرهنگ‌هایی همانند کردها، تالشی‌ها و تات‌ها در حضورشان بیتی به زبان خود قرائت کنند؟ آیا در همین کشورها به صورت آزاد روزنامه‌ای در این زبان‌ها چاپ می‌شود؟ امروزه آزادی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی در دوران برقراری نظام اسلامی، فرصتی طلایی است که از طریق قانون اساسی کشورمان در اختیار آحاد مردم ایران در سرتاسر کشور و به شکل پرنرنگ‌تر در اختیار مردم شریف، مسلمان و انقلابی آذربایجان نهاده شده است.

شما به عنوان مؤسس گروه زبان و ادبیات آذری در دانشگاه تبریز، سیر آموزش و استقبال آذری زبانان از این رشته را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

هر چند این گروه آموزشش با هدف تحقق شعار سیاسی کارانه انتخاباتی طیفی از جناح‌های سیاسی کشور، در سال ۱۳۹۵ بنیان نهاده شد، ولی به حول و قوه الهی، تدوین علاقه و هوشیارانه پرسفصل‌های دروس این رشته با کمک اساتید مؤمن و عالم دانشگاه، متکی بر آثار و منابع فرهنگی ادبی ایرانی و اسلامی، چنان محکم بنا نهاده شده که (در صورت تدریس درست) از درون آن جز هویت ایرانی – اسلامی، چیز دیگری در نمی‌آید. البته در سال‌های اخیر، این گروه دچار تحولاتی شد، به طوری که در دوره‌ای با بی‌توجهی و بدسلیقگی مدیریت، آشفستگی‌هایی در بدنه دانشجویی و مدرسان مشاهده شد. ولی بحمدالله در حال حاضر با مدیریت عالمانه و علاقه‌مند به فرهنگ و هویت ایرانی – اسلامی مدیر محترم گروه، مسیر خوب و درستی را می‌پیماید. البته با این همه باید مواظب رخنه‌افراطیون در ایجاد مختلف دانشجویی و استادی بود و نیز از همین پرسفصل حمایت و مواظبت کرد تا دچار تحولات منفی نباشیم، چراکه در حال حاضر، بیشتر تلاش‌ها را فراطیون و قومگرایان داخلی و خارج مرزها معطوف به تغییر پرسفصل دروس این رشته است تا از این طریق بر روند آموزش این گروه مؤثر واقع شوند.

نکته پایانی اینکه اخیراً گروهی از نمایندگان مجلس - که برخی نمایندگان استان نیز در زمره آنها هستند - طرحی را با مضمون تأکید بر اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی مبنی بر نحوه آموزش زبان آذری که به اشتباه ترکی نامیده‌اند، ارائه داده‌اند، ولی من مطمئنم که این دوستان اصلاً توجه دقیقی به محتوای این اصل نداشته و با توجه به دورنمای فکری و انتخاباتی خودشان طرح را امضا کرده‌اند. نباید از یاد برد که در حال حاضر، مسئولان در اجازه دادن به بُعد آموزش زبان و ادبیات آذری یا را فراتر از اصل ۱۵ گذاشته‌اند، چراکه در این اصل، مقطع آموزشی ادبیات (نه زبان) آذری، فقط مدارس است، در حالی که اکنون این زبان و ادبیات، در دانشگاه تدریس می‌شود. لازم است دوستان سیاسی اندیش در ارائه نظرات خود دقت بیشتری کنند و منطقه، کشور و نظام را با بی‌توجهی دچار چالش‌های بیپهوه نکنند. اینک بدهای مورد اشاره اصل ۱۵، فراتر از متن این اصل در حال اجراست!